



Woman in Development and Politics

The Effect of Women's Position in the Education and Labor Market Sectors on Suicide

Marzieh Shakeri HosseinAbad¹  | Zahra Nasrollahi² 

1. PhD Student in Economics, Department of Economics, Faculty of Economics, Management and Accounting, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: m.shakeri@stu.yazd.ac.ir
2. Corresponding Author, Professor of Economics, Department of Economics, Faculty of Economics, Management and Accounting, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: nasr@yazd.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 31 July 2024

Received in revised form: 14

October 2024

Accepted: 20 November 2024

Published online: 31 December
2024**Keywords:***Education,**Gender Equality,**Iran's Provinces,**Labor Market,**Suicide.*

ABSTRACT

Suicide is a public health concern. The family and society are impacted by the consequences of suicide, despite the fact that it is committed by an individual. Therefore, considering the importance of this phenomenon, researchers have endeavored to investigate factors affecting suicide from various the economic and social aspects. While previous research has investigated the impact of a variety of variables on suicide, researchers in Iran have neglected to consider the effect of women's relative position in various fields with the interpretation of gender equality. According to the available literature, this phenomenon can affect suicide. Consequently, the objective of the present study was to examine the factors that contribute to suicide, with an emphasis on the women's position compared to men in the education and labor market sectors from 2016 to 2022. In the provinces, the results of this research indicate that the ratio of women to men students has a positive and significant impact on suicide. However, the ratio of women's economic participation to men due to factors such as increased access to resources for the family and reduced financial stress has a negative and significant impact on suicide. The findings indicate the importance of policymakers' attention to women's position in various fields, including education and the labor market.

Cite this article: Shakeri HosseinAbad, M., & Nasrollahi, Z. (2024). The Effect of Women's Position in the Education and Labor Market Sectors on Suicide. *Women in Development and Politics*, 22(4), 1013-1041. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.380194.1008467>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.380194.1008467>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

تأثیر موقعیت زنان در بخش‌های آموزش و بازار کار بر خودکشی

مرضیه شاکری حسین‌آباد^۱ | زهرا نصراللهی^۲

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: m.shakeri@stu.yazd.ac.ir

۲. نویسنده مسؤل، استاد اقتصاد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: nasr@yazd.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	خودکشی به‌عنوان یک مسئله مرتبط با سلامت عمومی، اگرچه توسط یک فرد انجام می‌شود اما، خانواده و جامعه تحت تأثیر پیامدهای آن قرار می‌گیرند. از این رو و با توجه به اهمیت این پدیده محققان کوشیده‌اند تا عوامل مؤثر بر خودکشی را از جنبه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار دهند. اگرچه در مطالعات پیشین اثر متغیرهای مختلف بر خودکشی مورد بررسی قرار گرفته اما، در پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده‌اند به تأثیر موقعیت نسبی زنان در حوزه‌های مختلف با تعبیر برابری جنسیتی کمتر توجه کرده‌اند. در حالی که بر اساس ادبیات موجود، این پدیده می‌تواند بر خودکشی تأثیر داشته باشد. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر خودکشی با تأکید بر موقعیت زنان نسبت به مردان در بخش‌های آموزش و بازار کار طی دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۱ طراحی شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه افزایش نسبت دانشجویان زن به مرد تأثیر مثبت و معنی‌دار بر خودکشی در استان‌ها دارد اما، افزایش نسبت مشارکت اقتصادی زنان به مردان به‌واسطه عواملی مانند دسترسی به منابع بیشتر برای خانواده و کاهش استرس‌های مالی تأثیر منفی و معنی‌دار بر خودکشی داشته است. یافته‌های این پژوهش از اهمیت توجه سیاست‌گذاران به موقعیت زنان در حوزه‌های مختلف از جمله آموزش و بازار کار حکایت دارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱	
کلیدواژه‌ها: آموزش، استان‌های ایران، بازار کار، برابری جنسیتی، خودکشی.	

استناد: شاکری حسین‌آباد، مرضیه و نصراللهی، زهرا (۱۴۰۳). تأثیر موقعیت زنان در بخش‌های آموزش و بازار کار بر خودکشی. زن در توسعه و سیاست، ۲۲(۴)، ۱۰۱۳-۱۰۴۱

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.380194.1008467>

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.380194.1008467>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

بررسی آمارهای خودکشی حاکی از آن است که در سال ۲۰۱۹ در جهان، ۷۰۳ هزار نفر بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده‌اند. خودکشی یکی از دلایل اصلی مرگ و میر در جهان شناخته می‌شود و مرگ و میر ناشی از آن، حتی بیشتر از جنگ و قتل است. بیش از یک مورد از هر ۱۰۰ مرگ (۱/۳ درصد) در سال ۲۰۱۹ ناشی از خودکشی بوده است. نرخ خودکشی استاندارد شده بر اساس سن در جهان نه مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت بوده و این نرخ در بین کشورها از کمتر از دو مورد مرگ ناشی از خودکشی تا بیش از ۸۰ مورد در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت متغیر است. نرخ خودکشی برای کشور ایران در سال ۲۰۱۹ برابر با ۵/۱ در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت به‌دست آمده است. خودکشی، چهارمین دلیل مرگ در جوانان ۱۵-۲۹ ساله پس از آسیب‌های جاده‌ای، بیماری سل و خشونت‌های بین فردی شناخته می‌شود. همچنین، خودکشی به‌ترتیب، سومین و چهارمین علت مرگ و میر برای زنان (بعد از بیماری سل و شرایط مادری) و مردان (بعد از آسیب‌های جاده‌ای، خشونت‌های بین فردی و بیماری سل) در این گروه سنی است. از این‌رو، کاهش مرگ و میر ناشی از خودکشی به‌عنوان یکی از اهداف سازمان بهداشت جهانی تعیین شده است (World Health Organization, 2021: 1-21). اگرچه نرخ خودکشی در ایران از نرخ جهانی کمتر بوده اما، بررسی آمارهای خودکشی منتشر شده توسط مرکز آمار ایران حاکی از آن است که در سال ۱۴۰۱ به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت حدود شش خودکشی در ایران رخ داده در حالی که در سال ۱۳۸۵، چهار خودکشی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت به وقوع پیوسته که حاکی از افزایش این پدیده در سال ۱۴۰۱ در کشور است.

تبعات منفی مرگ از طریق خودکشی، توجه سیاست‌گذاران را برای پیشگیری از این پدیده برانگیخته است. در فرآیند سرمایه‌گذاری برای پیشگیری از خودکشی، اطلاع از هزینه‌های عدم اقدام در این زمینه حائز اهمیت است (McDaid, 2016: 776). هزینه‌های خودکشی بر همه افراد جامعه تحمیل می‌شود و می‌تواند قابل توجه باشد. اقتصاددانان در مورد خودکشی به سه نوع هزینه شامل هزینه‌های مستقیم^۱، غیرمستقیم^۲ و نامشهود^۳ اشاره می‌کنند. هزینه‌های درخواست خدمات اورژانس، عملیات نجات در سیستم مراقبت‌های بهداشتی، تحقیقات پلیس و پزشکی قانونی و همچنین، خدمات توان‌بخشی طولانی‌مدت فیزیکی و روانی برای افرادی که از خودکشی نجات می‌یابند، در

1. Direct Costs
2. Indirect Costs
3. Intangible Costs

گروه هزینه‌های مستقیم ناشی از خودکشی قرار می‌گیرند. در حالی که هزینه‌های غیرمستقیم به هزینه‌هایی اشاره دارد که به علت مرگ زودرس فرد خودکشی‌کننده، بر جامعه تحمیل می‌شود. از جمله از دست رفتن فرصت مشارکت مؤثر در اقتصاد ملی توسط فرد خودکشی‌کننده، که می‌تواند از طریق کار با حقوق، فعالیت‌های داوطلبانه یا مسئولیت‌های خانوادگی مانند مراقبت از فرزندان یا والدین خود باشد. البته اساسی‌ترین تأثیر خودکشی، از دست دادن فرصت تجربه تمام آنچه که در زندگی وجود دارد، است. در نهایت، درد و اندوهی که خودکشی بر اعضای نزدیک خانواده و دوستان دارد می‌تواند بسیار زیاد و طولانی‌مدت باشد که این تأثیرات شخصی، توسط اقتصاددانان به‌عنوان هزینه‌های نامشهود شناخته شده‌اند. چراکه اغلب پنهان هستند و ارزش‌گذاری آن‌ها دشوار است (Platt et al., 2006: 15).

بر این اساس و با توجه به اهمیت تأثیر خودکشی بر کل جامعه، سیاست‌گذاری برای پیشگیری از آن حائز اهمیت است. این در حالی است که برای ارائه سیاست‌های کارآمد نخست باید عوامل مؤثر بر این پدیده مورد شناسایی قرار گیرد. محققان به‌ویژه در سال‌های اخیر (به‌عنوان مثال، میلنر و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، مور و هیریگز^۲ (۲۰۲۱) و چن و همکاران^۳ (۲۰۲۴)) در کنار سایر عوامل مؤثر مانند نرخ بیکاری، نرخ طلاق و ... تأثیر موقعیت مطلق و نسبی زنان (با تعبیر برابری جنسیتی) در حوزه‌های مختلف را نیز به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر خودکشی مورد توجه قرار داده‌اند. در ادبیات موجود در مورد تأثیر برابری جنسیتی بر خودکشی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، برخی معتقدند با افزایش برابری جنسیتی، میزان خودکشی افزایش می‌یابد در حالی که برخی دیگر نظر مخالفی را ارائه داده‌اند، بنابراین برای مشخص شدن این امر نیاز به انجام پژوهش‌های علمی وجود دارد. بر این اساس، در این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر خودکشی با تأکید بر موقعیت زنان نسبت به مردان در بخش‌های آموزش و بازار کار به تفکیک استان‌های ایران طی دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۱ پرداخته شده است. موضوعی که در مطالعات داخلی درباره خودکشی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش، پیشینه نظری و تجربی مرتبط با خودکشی با تأکید بر برابری جنسیتی شرح داده می‌شود.

1. Milner et al.
2. Moore & Heirigs
3. Chen et al.

۲-۱. پیشینه نظری

خودکشی تجربه‌ای است که معنی آن در فعالیتهایی که فرد انجام می‌دهد تا به زندگی خود پایان دهد، نهفته است. خودکشی صرفاً حاصل تصمیم ذهنی در مورد سرنوشت خود و قطع امید از حیات نیست، بلکه قطع امید از تعامل و زندگی در میان افرادی است که او را از دست می‌دهند. خودکشی مسئله‌ای پیچیده، چندبعدی و عمیق است و درک آن در فضای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاص امکان‌پذیر است (Ayasseh et al., 2021: 699).

به اعتقاد دورکیم^۱ (۱۸۹۷) خودکشی را می‌توان بر اساس دو شرایط موقعیتی تنظیم^۲ و ادغام^۳ به چهار نوع شامل خودکشی‌های خودخواهانه^۴، نوع دوستانه^۵، هنجارگسیخته (آنومیک)^۶ و تقدیرگرایانه (جبری)^۷ طبقه‌بندی کرد. خودکشی خودخواهانه در شرایط موقعیتی ادغام قرار می‌گیرد که ناشی از ادغام ناکافی فرد در سیستم اجتماعی است که می‌تواند در نتیجه ادغام ناکافی در سطح خانواده یا جامعه توسط یک فرد رخ دهد. در حالی که به اعتقاد دورکیم خودکشی نوع دوستانه در نتیجه ادغام بیش از حد فرد در سیستم اجتماعی اتفاق می‌افتد. در این نوع خودکشی، فرد یا حتی گروه به دلیل وابستگی بیش از حد به سیستم، می‌تواند به نفع سیستمی که به آن تعلق دارد، خودکشی کند. مطابق با نظر دورکیم، خودکشی آنومیک در نتیجه تنظیم ناکافی فعالیت‌های فردی در سیستم اجتماعی رخ می‌دهد. در این حالت افراد می‌توانند به دلیل عدم کنترل کافی اعمال، اقدام به خودکشی کنند. در نهایت، خودکشی تقدیرگرایانه (جبری) با تنظیم بیش از حد رفتارهای اعضای جامعه اتفاق می‌افتد. در این نوع خودکشی، مقررات بیش از حد در جامعه و زیرگروه‌هایی که افراد در نظام اجتماعی به آن تعلق دارند به دلیل مسدود کردن آگاهانه و ناآگاهانه انتظارات برخی از اعضای جامعه، می‌تواند منجر به خودکشی تقدیرگرایانه (جبری) شود (Okafor, 2020: 39-40). بنابراین، به اعتقاد دورکیم خودکشی زمانی افزایش می‌یابد که تأثیر جامعه بر یک فرد بیش از حد یا ناکافی باشد. با وجود این، دیدگاه دورکیم به اندازه کافی جامع نیست و او پیامدهای نظریه خود را برای الگوهای متفاوت سنی و جنسیتی در نظر نگرفته است (Girard, 1993: 553).

1. Durkheim
2. Regulation
3. Integration
4. Egoistic
5. Altruistic
6. Anomic
7. Fatalistic

از نظر مور و هیریگز (۲۰۲۱) یکی از نخستین مطالعات درباره ارتباط بین برابری جنسیتی و خودکشی مطالعه گیبس و مارتین^۱ (۱۹۶۴) است. گیبس و مارتین نظریه ادغام وضعیت خودکشی^۲ را توسعه داده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که رابطه مثبتی بین مشارکت زنان در نیروی کار (به‌عنوان معیار برابری جنسیتی) و خودکشی وجود دارد. به عبارتی، با افزایش مشارکت زنان در نیروی کار، خودکشی افزایش می‌یابد. آن‌ها بیان کردند که افزایش خودکشی به دلیل تعارض نقشی است که با ورود زنان به نیروی کار رخ می‌دهد. به عبارت دیگر با ورود زنان به نیروی کار، مسئولیت‌های جدیدی به آن‌ها واگذار می‌شود، این در حالی است که همچنان از آن‌ها انتظار می‌رود تا مسئولیت‌های قبلی خود از جمله مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده گیرند. به عبارت دیگر، برای زنان ورود به بازار کار و افزایش حجم کار بدون کاهش انتظارات در قبال وظایف در منزل است. وظیفه و نقش زنان به‌عنوان شخصیت مرکزی برای حفظ خانواده همراه با تقسیم کار نابرابر در خانه، با پیامدهای منفی مانند افسردگی، پریشانی روانی و بار اضافی نقش همراه است. این در حالی است که افزایش مشارکت زنان در نیروی کار بر مردان نیز تأثیر منفی دارد. برای مردان، ورود زنان به بازار کار، نقش سنتی آن‌ها به‌عنوان نان‌آور را مختل می‌کند. این اختلال باعث می‌شود که مردان احساس کنند که در وظیفه خود برای سرپرستی خانواده شکست خورده‌اند (Moore & Heirigs, 2021: 274). یکی از مفروضات نظریه ادغام وضعیت گیبس و مارتین این بود که نقش‌های هر وضعیت (یعنی تأهل، جنسیت، سن و ...) با نقش سایر وضعیت‌ها در تضاد است. در واقع، درجه یکپارچگی وضعیت ممکن است بر میزان خودکشی تأثیر بگذارد و نرخ خودکشی یک جمعیت به‌طور معکوس با میزان یکپارچگی وضعیت در آن جمعیت مرتبط است (Kim et al., 2019: 91). علاوه‌بر آن، بلوم و هیویت^۳ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای نشان داده‌اند که رضایت از رابطه، با تغییر وضعیت از مرد نان‌آور به زن نان‌آور در خانواده، کاهش یافته است. همچنین، سیردا^۴ (۲۰۲۰) به این نتیجه رسیده است که پریشانی روانی مردان زمانی که درآمد همسران آن‌ها بیشتر می‌شود، افزایش می‌یابد و در شرایطی که مردان کاملاً از نظر اقتصادی به همسرانشان وابسته باشند به بالاترین میزان خود می‌رسد. سیر^۵ (۱۹۷۴) و مارکس^۶ (۱۹۷۷) در آثار خود رویکرد دیگری را مطرح می‌کنند. آن‌ها استدلال کردند که با افزایش مشارکت زنان در نیروی کار، خودکشی کاهش خواهد یافت. نظریه گسترش

1. Gibbs & Martin
2. Status Integration Theory
3. Blom & Hewitt
4. Syrda
5. Sieber
6. Marks

نقش^۱ یا انباشت نقش^۲ بر این اساس است که هر نقش اضافه‌ای که به فرد داده می‌شود دارای مزایایی است. زنانی که وارد بازار کار می‌شوند، درآمد خانواده را افزایش می‌دهند که این امر باعث کاهش سطح استرس مالی در خانواده می‌شود. علاوه بر آن، زنان با همکاران خود پیوند برقرار می‌کنند. این پیوندها با پیوند دادن آن‌ها به افراد دیگر جامعه، خودکشی را کاهش می‌دهد. بنابراین، افزایش درآمد ناشی از افزایش مشارکت زنان در نیروی کار باید اثرات منفی تعارض نقش را خنثی کند. همچنین، دورکیم (۱۹۵۱) استدلال کرد که سطوح یکپارچگی اجتماعی می‌تواند سطح خودکشی را در یک منطقه توضیح دهد. با ورود زنان به بازار کار، میزان ادغام اجتماعی آن‌ها افزایش می‌یابد، که هر یک از آسیب‌هایی که توسط نظریه ادغام وضعیت خودکشی مطرح شده بود را خنثی می‌کند (Moore & Heirigs, 2021: 275). چراکه همان‌گونه که ژانگ^۳ (۲۰۱۹) بیان می‌کند یکپارچگی اجتماعی، موقعیتی است که فرد احساس می‌کند به یک گروه یا جامعه متصل شده یا توسط آن پذیرفته شده است. فردی که سطح بالایی از یکپارچگی اجتماعی دارد، احساس می‌کند که مورد قبول و محبوب دیگران است و انگیزه کمی برای خودکشی دارد. در حالی که فردی که دارای سطح پایینی از یکپارچگی اجتماعی است، احساس می‌کند که نامطلوب، جداشده و طردشده از جانب دیگران است و ممکن است انگیزه بالایی برای خودکشی داشته باشد (Zhang, 2019: 2). در واقع، به اعتقاد دورکیم (۱۹۵۱) تفاوت در نرخ‌های خودکشی در بین زیرگروه‌های مختلف در یک جمعیت، تا حد زیادی به دلیل تفاوت‌ها در یکپارچگی بومی و مذهبی است. به اعتقاد او، نرخ کمتر خودکشی در افراد متأهل نسبت به افراد غیرمتأهل، از یکپارچگی اجتماعی قوی‌تر در بین افراد متأهل ناشی می‌شود (Cutright & Fernquist, 2008: 176).

نظریه همگرایی^۴ را می‌توان برای توضیح ارتباط بین برابری جنسیتی و سطح سلامت مورد استفاده قرار داد. در حالی که بر اساس نظریه گسترش نقش، برابری جنسیتی به‌ویژه برای زنان مفید است، نظریه همگرایی حاکی از آن است که با افزایش برابری جنسیتی در یک جامعه، همگرایی در نقش‌های جنسیتی بین مردان و زنان و نیز سطوح استرس و رفتارها وجود دارد و این به نوبه خود منجر به همگرایی در سطح سلامت برای زنان و مردان می‌شود. بر این اساس، زنان ممکن است از اثرات مثبت گسترش نقش سود ببرند اما این امکان وجود دارد که اثرات مضر شرایط کاری بد را نیز تجربه کنند و با افزایش استرس ناشی از ساعات کار طولانی‌تر مواجه باشند. در حالی که مردان

1. Role Expansion Theory

2. Role Accumulation Theory

3. Zhang

4. Convergence Theory

می‌توانند از پذیرش باورها و رفتارهای کمتر مردانه مانند مراقبت از کودکان سود ببرند. بر اساس نظریه همگرایی و با توجه به این که احتمال مرگ مردان در بیشتر نقاط جهان بر اثر خودکشی بیشتر است، می‌توان فرض کرد که با افزایش برابری جنسیتی و همگرایی در نقش‌های جنسیتی، نرخ خودکشی زنان افزایش و نرخ خودکشی مردان کاهش می‌یابد (Backhans et al., 2007: 1894). تعیین برآیند این دو اثر بر میزان خودکشی در جامعه نیازمند بررسی تجربی است.

بنابراین و در مجموع، دیدگاه‌های متفاوتی در رابطه با تأثیر برابری جنسیتی بر خودکشی مطرح شده است. در حالی که بر اساس نظریه ادغام وضعیت، به دلیل تضاد نقش‌های وضعیت‌های متفاوت، رابطه مثبتی بین برابری جنسیتی و خودکشی وجود دارد اما، طرفداران نظریه گسترش نقش بر این باورند که برابری جنسیتی به دلیل مزایای نقش‌های متفاوت بر خودکشی در جامعه تأثیر منفی دارد. در نهایت، بر اساس نظریه همگرایی، برابری جنسیتی به دلیل همگرایی در نقش‌های جنسیتی بین مردان و زنان و از آنجا که احتمال مرگ مردان بر اثر خودکشی در اکثر نقاط جهان بیشتر است، منجر به افزایش خودکشی در بین زنان می‌شود. در حالی که این همگرایی می‌تواند خودکشی در بین مردان را کاهش دهد. این که کدام دیدگاه در استان‌های ایران تأیید می‌شود موضوعی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲. پیشینه تجربی

مطالعات مختلفی در سطح ملی و بین‌المللی تأثیر دستیابی زنان به فرصت‌های آموزشی و اقتصادی و به‌طور خاص، برابری جنسیتی را در کنار سایر عوامل مؤثر بر خودکشی مورد ارزیابی قرار داده‌اند. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین این مطالعات اشاره می‌شود.

مایر^۱ (۲۰۰۰) تأثیر برابری جنسیتی بر میزان خودکشی در ۳۷ کشور و در سال ۱۹۹۶ را با استفاده از مدل رگرسیونی چندگانه^۲ ارزیابی کرده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بین شاخص توسعه مرتبط با جنسیت^۳ به‌عنوان معیاری که برابری جنسیتی را در توسعه قابلیت‌ها اندازه‌گیری می‌کند و نرخ‌های خودکشی برای مردان و زنان ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد. به عبارتی، وقتی که کشور از نظر جنسیتی برابرتر می‌شود میزان خودکشی افزایش می‌یابد. در واقع، نتایج این مطالعه از نظریه ادغام وضعیت خودکشی حمایت می‌کند. علاوه بر آن، یافته‌های این مطالعه

1. Mayer

2. Multiple Regression Model

3. Gender-Related Development Index

حاکمی از آن است که بین معیار توانمندسازی جنسیتی^۱ به‌عنوان معیاری که برابری جنسیتی در دستاوردها را مشخص می‌کند و نرخ‌های خودکشی برای یک نمونه شامل ۲۶ کشور ارتباط معنی‌دار مشاهده می‌شود. این یافته بیانگر آن است که با افزایش برابری مردان و زنان، نرخ‌های خودکشی برای آن‌ها در حال افزایش است. اگرچه سرعت افزایش برای مردان نسبت به زنان کمتر است اما همبستگی مثبت بین میزان خودکشی مردان و معیار توانمندسازی جنسیتی، مشکلاتی که مردان در پاسخ به تغییرات در نقش‌های زنان و مردان تجربه می‌کنند را نشان می‌دهد.

شاه^۲ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط بین برابری جنسیتی و نرخ‌های خودکشی سالمندان پرداخته است. او از داده‌های نرخ‌های خودکشی مردان و زنان گروه سنی ۶۵-۷۴ ساله و بالای ۷۵ سال بر اساس آخرین سال موجود در کشورهای آسیایی طی دوره ۱۹۹۱-۲۰۰۳ و رویکرد رگرسیون خطی چندگانه استفاده کرده است. علاوه بر آن، او از دو معیار توانمندسازی جنسیتی و شاخص توسعه مرتبط با جنسیت برای سنجش برابری جنسیتی بهره می‌برد. یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که هر دو معیار برابری جنسیتی با نسبت جنسی نرخ‌های خودکشی مردان به زنان در هر دو گروه سنی ارتباطی نداشته است. شاه معتقد است که بررسی ارتباط بین برابری جنسیتی و نسبت خودکشی مردان به زنان نیازمند شفاف‌سازی مطالعات مقطعی در کشورهای مختلف و نیز مطالعات طولی در داخل کشورها برای تمام گروه‌های سنی است و چنین مطالعاتی باید سایر معیارهای برابری جنسیتی از جمله تفاوت‌های جنسیتی در پیشرفت تحصیلی، درآمد، فقر، مسکن، اشتغال، دسترسی به خدمات بهداشتی و رفاه اجتماعی و شهرنشینی را نیز مورد توجه قرار دهد.

ریوز و استاکلر^۳ (۲۰۱۶) رابطه بین برابری جنسیتی و خودکشی را برای ۲۰ کشور اروپایی طی دوره ۲۰۱۱-۱۹۹۱ مورد ارزیابی قرار داده‌اند. آن‌ها ارتباطی بین هنجارهای جنسیتی برابری طلبانه و خودکشی مردان یا زنان مشاهده نکرده‌اند. با وجود این، آن‌ها با استفاده از مدل رگرسیون با اثرات ثابت پویا^۴ تأثیر برابری جنسیتی را در شرایط وقوع شوک کوتاه‌مدت افزایش بیکاری بر روند بلندمدت خودکشی مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که درجه بیشتری از برابری جنسیتی بر خودکشی‌های مرتبط با شوک‌های اقتصادی تأثیر منفی دارد. به عبارتی، یافته‌ها نشان می‌دهد که مقررات جنسیتی برابرتر می‌تواند تأثیر افزایش بیکاری بر خودکشی مردان (از طریق کاهش ترویج

1. Gender Empowerment Measure

2. Shah

3. Reeves & Stuckler

4. Dynamic Fixed-Effects Regression

فرهنگ مرد نان‌آور) را کاهش دهد و به خنثی‌سازی پیامدهای خودکشی شوک‌های اقتصادی، به‌ویژه در مردان کمک کند.

میلنر و همکاران (۲۰۲۰) مطالعه‌ای با هدف بررسی ارتباط برابری جنسیتی و خودکشی در طول زمان طراحی کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از داده‌های ۸۷ کشور طی دوره ۲۰۱۶-۲۰۰۶ و شاخص شکاف جنسیتی^۱ (مستخرج از گزارش مجمع جهانی اقتصاد^۲) و نرخ‌های خودکشی مردان و زنان (مستخرج از سازمان بهداشت جهانی)، الگوی مورد نظر را با رویکرد رگرسیونی داده‌های تابلویی برآورد کرده‌اند. به نظر آن‌ها افزایش برابری جنسیتی یک امر ضروری برای کشورها و سازمان‌ها در سراسر جهان است و منجر به بهبود زندگی مردان و زنان می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان داده است که افزایش برابری جنسیتی در یک کشور با کاهش معنی‌دار در نرخ‌های خودکشی زنان همراه است. در حالی که شواهد کافی در مورد ارتباط افزایش برابری جنسیتی و کاهش خودکشی مردان وجود ندارد. یافته‌های این مطالعه از نظریه گسترش نقش، مبنی بر این که چندین نقش اجتماعی برای افراد سودآور است، حمایت می‌کند. نویسندگان معتقدند که با افزایش برابری جنسیتی در یک کشور، خطر خودکشی زنان می‌تواند از طریق توانایی آن‌ها در دستیابی و انباشت نقش‌های اجتماعی متعدد کاهش یابد. این امر ممکن است از طریق ساز و کارهای مختلفی مانند مشارکت در بازار کار تأمین شود.

مور و هیریگز (۲۰۲۱) در مقاله‌ای ارتباط نابرابری جنسیتی و خودکشی را در ۱۲۴ کشور مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها نرخ‌های خودکشی مردان، زنان و کل را برای سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵ جمع‌آوری کرده و میانگین این نرخ‌ها را به‌عنوان متغیر وابسته در مدل‌های رگرسیونی در نظر گرفته‌اند. شاخص نابرابری جنسیتی نیز در این مطالعه از گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۶ استخراج شده و علاوه بر آن، تأثیر مؤلفه‌های این شاخص به‌صورت مجزا بر خودکشی مورد ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که با کاهش نابرابری جنسیتی، نرخ‌های خودکشی افزایش می‌یابد. به عبارتی، هرچه کشورها برابرتر می‌شوند، خودکشی بیشتری را هم برای مردان و هم برای زنان تجربه می‌کنند. این یافته‌ها از نظریه ادغام وضعیت خودکشی پشتیبانی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که تراکم جمعیت تأثیر منفی و معنی‌دار بر نرخ‌های خودکشی مردان و کل داشته است. در واقع، با کاهش تراکم جمعیت میزان خودکشی افزایش می‌یابد. این یافته برعکس نظریه دورکیم درباره اثر تراکم جمعیت بر خودکشی است. بررسی تأثیر مؤلفه‌های نابرابری جنسیتی نشان می‌دهد که با

1. Gender Gap Index (GGI)

2. World Economic Forum

افزایش تحصیلات زنان و مشارکت زنان در بازار کار میزان خودکشی کل افزایش می‌یابد. علاوه بر آن، نتایج حاکی از آن است که با افزایش سطح تحصیلات زنان، میزان خودکشی مردان بیشتر می‌شود در حالی که مشارکت زنان در بازار کار تأثیر مثبت و معنی‌داری بر خودکشی زنان داشته است.

چن و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین مشارکت اقتصادی زنان ۲۵-۶۴ ساله و میزان خودکشی مردان و زنان طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۲۰ در تایوان پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که مشارکت اقتصادی زنان، مطابق با فرضیه گسترش نقش، از آن‌ها در برابر خودکشی محافظت می‌کند و علی‌رغم آن که زنان در تایوان بار مضاعف کار بادستمزد و مسئولیت کار خانگی بدون دستمزد را تحمل می‌کنند و مسئولیت مراقبت از کودکان همچنان بر عهده مادران است، اما، انجام هر دو فعالیت مزایای بیشتری نسبت به هزینه آن به‌ویژه در زمینه خودکشی برای زنان دارد. به عبارتی، استقلال اقتصادی می‌تواند از خودکشی زنان جلوگیری کند. علاوه بر آن، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد زمانی که مشارکت اقتصادی زنان افزایش می‌یابد مرگ ناشی از خودکشی در بین مردان ۴۵ ساله و بیشتر، کمتر است. تقسیم مسئولیت تأمین اقتصادی خانواده مردان با زنان را می‌توان از دلایل این نتیجه دانست. در حالی که مردان جوان‌تر ممکن است درگیر باورهای تسلط اقتصادی و روانی مردان بر زنان در خانواده باشند. همچنین، مشارکت اقتصادی بالاتر زنان با افزایش نسبت خودکشی مردان به زنان همراه بوده است. از آنجا که کار مراقبتی بدون مزد مزایایی از جمله پیوندهای خانوادگی قوی‌تر و احساس ارزشمندبودن در خانواده را برای زنان ایجاد می‌کند، دلیل افزایش نسبت خودکشی مردان به زنان در تایوان می‌تواند نتیجه مشارکت پایین مردان در کار مراقبتی بدون مزد با وجود افزایش مشارکت زنان در کار بادستمزد باشد.

در ایران نیز مطالعات متعددی عوامل مؤثر بر خودکشی را در سطح ملی و منطقه‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند. به عنوان مثال، عارفی (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای متغیرهای مؤثر بر میزان خودکشی را بین سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ بر اساس اطلاعات موجود در مراکز بیمارستانی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی و با روش گذشته‌نگر مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان خودکشی در بین افراد متأهل نسبت به افراد مجرد بیشتر است. علاوه بر آن، میزان خودکشی در زنان بیشتر از مردان و در زنان متأهل بیشتر از زنان مجرد مشاهده می‌شود و نرخ خودکشی در افراد شهرنشین بیشتر از روستاییان است. همچنین، یافته‌ها بیانگر آن است که خودکشی در بین افرادی که تحصیلات دبیرستانی داشته‌اند بیشتر از موارد دیگر است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بالاترین میزان خودکشی را به ترتیب زنان خانه‌دار و افراد محصل به خود اختصاص داده‌اند.

معیدفر و حسن پناه (۲۰۱۰) در مقاله‌ای عوامل اجتماعی مؤثر بر اقدام به خودکشی جوانان استان کردستان را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها از روش پیمایشی و پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات بهره برده و با ۱۲۸ نفر از افراد زیر ۲۵ سال که در فاصله سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۶ خودکشی ناموفق داشته مصاحبه کرده‌اند. معیدفر و حسن پناه متغیرهای بی‌سازمانی خانواده^۱، عدم دستیابی به اهداف^۲ و میزان ضعف پایبندی به مذهب^۳ را برای سنجش نابسامانی اجتماعی در نظر می‌گیرند. علاوه بر آن، انتظام اجتماعی را با میزان کنترل و فشار خانواده فرد برای رعایت هنجارهای سنتی خانواده ارزیابی می‌کنند. یافته‌های مطالعه آن‌ها حاکی از آن است که احساس انتظام شدید در بین زنان و احساس نابسامانی اجتماعی در بین مردان، عامل اصلی خودکشی جوانان در استان کردستان است. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که حدود ۷۱ درصد از افراد جمعیت نمونه که خودکشی ناموفق کرده‌اند در شهر زندگی می‌کنند و نیز ۵۷ درصد از افراد نمونه زن هستند. علاوه بر آن، میزان پایبندی به مذهب و دستیابی به اهداف در میان افرادی که اقدام به خودکشی نکرده‌اند نسبت به افرادی که اقدام به خودکشی کرده‌اند، بیشتر است. در حالی که میزان بی‌سازمانی خانواده و احساس انتظام اجتماعی در افراد خودکشی‌کننده بیشتر مشاهده می‌شود.

نصراللهی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با استفاده از روش اقتصادسنجی داده‌های تلفیقی به بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر اقدام به خودکشی در بین زنان استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۸ پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین بیکاری زنان، نابرابری درآمد، صنعتی شدن و نرخ طلاق با اقدام به خودکشی در میان زنان وجود دارد. چراکه افزایش بیکاری زنان و نرخ طلاق با ایجاد ناامیدی در بین زنان، زمینه اقدام به خودکشی را فراهم خواهد کرد. در حالی که نابرابری درآمد با ایجاد احساس محرومیت در فرد و نیز تبعاتی مانند اختلافات خانوادگی، فشارهای روحی و روانی می‌تواند منجر به اقدام به خودکشی شود. علاوه بر آن، با توسعه نامتوازن در کشور و مهاجرت افراد با فرهنگ‌های متفاوت و گاه متضاد از مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق توسعه یافته زمینه بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله اقدام به خودکشی افزایش

۱. منظور گسیختگی خانواده و تخلفات اعضا از الگوهای کنشی مورد انتظار در نهاد خانواده است که برای ارزیابی آن از نماگرهایی مانند طلاق در خانواده، اعتیاد اعضا، سابقه کفبری اعضا و گسیختگی روابط بین اعضای خانواده استفاده می‌شود.

۲. از طریق متغیرهایی مانند رسیدن به اهداف تحصیلی، ازدواج، عشق، به‌دست آوردن پست و مقام و توان خرید یا دستیابی به شیء مورد نظر سنجیده شده‌اند.

۳. با میزان انجام مناسک و فرائض دینی مانند نماز، روزه، شرکت در مراسم مذهبی و نیز رعایت شئون اسلامی مانند رعایت حجاب اسلامی، حدود اسلامی در برخورد با نامحرم، صدقه دادن و... توسط فرد ارزیابی می‌شود.

می‌یابد. در نهایت، یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که میزان شهرنشینی رابطه معنی‌داری با اقدام به خودکشی در بین زنان نداشته است.

مکیان و لطفی (۲۰۱۵) در پژوهشی با استفاده از روش رگرسیون داده‌های تابلویی علل اقتصادی خودکشی را در استان‌های ایران طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۹ مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داده است که بین نرخ بیکاری، نابرابری درآمد و صنعتی‌شدن با اقدام به خودکشی رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. اما، رشد جمعیت تأثیر معنی‌داری بر اقدام به خودکشی نشان نداده است. بر این اساس، آن‌ها معتقدند که تلاش در جهت کاهش میزان بیکاری و نابرابری درآمد می‌تواند نقش مؤثری در کاهش خودکشی در استان‌های کشور داشته باشد. این در حالی است که با صنعتی‌شدن جوامع، پیامدهای نامطلوب اجتماعی ناشی از این پدیده نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

قادری و نظری (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر خودکشی در ایران طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۹۳ پرداخته‌اند. یافته‌های این مطالعه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون حاکی از آن است که بین بعد اجتماعی همبستگی اجتماعی که با شاخص‌های سطح رضایت از زندگی، عرق ملی و اعتماد عمومی ارزیابی می‌شود و میزان خودکشی همبستگی معکوس و معنی‌دار وجود دارد. در حالی که در بعد اقتصادی، رابطه‌ای معکوس و معنی‌دار بین نرخ مشارکت اقتصادی و میزان خودکشی مشاهده شده و رابطه نرخ بیکاری با میزان خودکشی مثبت و معنی‌دار به‌دست آمده است. در واقع، می‌توان انتظار داشت که با افزایش نرخ مشارکت اقتصادی و کاهش بیکاری، خودکشی کاهش یابد. علاوه بر آن، از نگاه فشار اجتماعی، ضریب همبستگی پیرسون وجود رابطه مستقیم و معنی‌دار بین تعداد پرونده‌های طلاق و میزان خودکشی را نشان داده است. بین دو متغیر ضرب و جرح و توهین در جامعه و خودکشی رابطه مستقیم و معنی‌دار به‌دست آمده است. همچنین، یافته‌ها وجود رابطه معکوس و معنی‌دار بین نرخ مشارکت اقتصادی زنان و میزان خودکشی آن‌ها را نشان می‌دهد. بدین معنی که با کاهش نرخ مشارکت اقتصادی زنان میزان خودکشی آن‌ها افزایش یافته که از اهمیت اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان در ایران حکایت دارد. قادری و نظری همچنین با بهره‌گیری از تحلیل عاملی و تقلیل متغیرها به دو عامل فشار اجتماعی (متغیرهای طلاق، ضرب و جرح و توهین) و همبستگی اجتماعی (نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری و بعد اجتماعی همبستگی) از آزمون‌های همبستگی و رگرسیون چندگانه بین دو عامل استخراج شده و میزان خودکشی استفاده کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که با افزایش همبستگی اجتماعی و کاهش فشار اجتماعی، میزان خودکشی کاهش می‌یابد.

حاجی‌زاده اصل و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر عوامل اقتصادی بر خودکشی در استان‌های ایران طی دوره ۱۳۸۴-۱۴۰۰ پرداخته‌اند. آن‌ها معتقدند که خودکشی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است که روندی رو به رشد داشته و منجر به نابودی سرمایه انسانی می‌شود. یافته‌های این مطالعه با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته حاکی از آن است که متغیرهای اقتصادی با یک دوره وقفه تأثیر معنی‌داری بر نرخ خودکشی در دوره جاری داشته‌اند. به طوری که با افزایش رشد اقتصادی در دوره گذشته به دلیل امیدواری مردم نسبت به آینده، نرخ خودکشی در دوره جاری کاهش یافته است. علاوه بر آن، شکاف تولید، نرخ بیکاری، تورم، نابرابری درآمدی، صنعتی شدن و شهرنشینی در دوره گذشته با نرخ خودکشی دوره جاری رابطه مثبت داشته‌اند. نویسندگان این مطالعه ادعا می‌کنند که تلاش در جهت کاهش بیکاری و نابرابری درآمد نقش مؤثری در کاهش خودکشی داشته و دولت باید به وضعیت صنعتی شدن در استان‌های کشور اهمیت داده و به مشکلات اجتماعی ناشی از صنعتی شدن در کنار مزایای متعدد آن توجه دوچندان داشته باشد.

مروری بر مطالعات پیشین این پژوهش به صورت خلاصه در جدول ۱ ارائه شده است. در مجموع، اگرچه مطالعات موجود حاکی از اهمیت تأثیر موقعیت زنان نسبت به مردان (برابری جنسیتی) در بخش‌های مختلف بر رفتار خودکشی است، اما، این متغیر در مطالعاتی که در داخل کشور به بررسی عوامل مؤثر بر پدیده خودکشی پرداخته‌اند کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، بررسی تأثیر این متغیر بر خودکشی در استان‌های ایران می‌تواند وجه تمایز این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین این حوزه در داخل کشور باشد.

جدول ۱. خلاصه پژوهش‌های انجام‌شده با موضوع بررسی عوامل مؤثر بر خودکشی

نام نویسندگان و سال انتشار	دوره زمانی	محدوده مکانی	نتایج
مایر (۲۰۰۰)	۱۹۹۶	۳۷ کشور	بین برابری جنسیتی و خودکشی ارتباط مثبت وجود دارد (حمایت از نظریه ادغام وضعیت خودکشی).
شاه (۲۰۰۸)	۱۹۹۱-۲۰۰۳	کشورهای آسیایی	ارتباطی بین شاخص‌های برابری جنسیتی و نسبت جنسی نرخ‌های خودکشی مشاهده نشد.
ریوز و استاکلر (۲۰۱۶)	۱۹۹۱-۲۰۱۱	۲۰ کشور اروپایی	برابری جنسیتی بر خودکشی‌های مرتبط با شوک‌های اقتصادی تأثیر منفی دارد.
میلنر و همکاران (۲۰۲۰)	۲۰۰۶-۲۰۱۶	۸۷ کشور	افزایش برابری جنسیتی با کاهش معنی‌دار در نرخ‌های خودکشی زنان همراه است (حمایت از نظریه گسترش نقش).
مور و هیریگز (۲۰۲۱)	۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵	۱۲۴ کشور	با کاهش نابرابری جنسیتی، نرخ‌های خودکشی افزایش می‌یابد (حمایت از نظریه ادغام وضعیت خودکشی).
چن و همکاران (۲۰۲۴)	۱۹۸۰-۲۰۲۰	تایوان	افزایش مشارکت اقتصادی زنان از آن‌ها در برابر خودکشی محافظت می‌کند (حمایت از نظریه گسترش نقش).
عارفی (۲۰۰۲)	۱۳۷۷ و ۱۳۷۸	شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی	وضعیت تأهل، جنسیت، شهرنشینی و تحصیلات بر خودکشی مؤثر است.
معیدفر و حسن‌پناه (۲۰۱۰)	۱۳۸۳-۸۶	استان کردستان	احساس انتظام شدید در بین زنان و احساس نابسامانی اجتماعی در بین مردان، عامل اصلی خودکشی جوانان در استان کردستان است.
نصراللهی و همکاران (۲۰۱۳)	۱۳۸۶-۸۸	استان‌های ایران	رابطه مثبت و معنی‌دار بین بیکاری زنان، نابرابری درآمد، صنعتی شدن و نرخ طلاق با اقدام به خودکشی در میان زنان وجود دارد.
مکیان و لطفی (۲۰۱۵)	۱۳۷۹-۸۹	استان‌های ایران	بین نرخ بیکاری، نابرابری درآمد و صنعتی شدن با اقدام به خودکشی رابطه مثبت و معنی‌دار برقرار است.
قادری و نظری (۲۰۱۹)	۱۳۸۹-۹۳	ایران	با افزایش همبستگی اجتماعی و کاهش فشار اجتماعی، میزان خودکشی کاهش می‌یابد.
حاجی‌زاده اصل و همکاران (۲۰۲۱)	۱۳۸۴-۱۴۰۰	استان‌های ایران	متغیرهای رشد اقتصادی، شکاف تولید، نرخ بیکاری، تورم، نابرابری درآمدی، صنعتی شدن و شهرنشینی با یک دوره وقفه تأثیر معنی‌داری بر نرخ خودکشی در دوره جاری داشته‌اند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش عوامل مؤثر بر خودکشی با تأکید بر موقعیت زنان نسبت به مردان در بخش‌های آموزش و بازار کار مورد ارزیابی قرار گرفته است. به دلیل ویژگی‌های متفاوت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر استان انتظار بر آن است که در ارتباط بین موقعیت نسبی زنان در بخش‌های مختلف و

خودکشی نیز تمایز وجود داشته باشد. بر این اساس، این ارزیابی به تفکیک استان‌های ایران طی دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۱ انجام شده و داده‌های مورد نیاز به صورت کتابخانه‌ای از منابع منتشر شده توسط مرکز آمار ایران استخراج شده است. در ادامه، متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش شرح داده می‌شود:

الف) نرخ خودکشی: نرخ خودکشی در این مطالعه به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده که به صورت تعداد خودکشی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در استان‌های ایران محاسبه شده است.

ب) برابری جنسیتی: نقش برابری جنسیتی در مطالعات مربوط به خودکشی در استان‌های ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که بر اساس ادبیات موجود (نظریه‌های ادغام وضعیت خودکشی و گسترش نقش)، این متغیر می‌تواند بر میزان خودکشی در استان‌ها تأثیر داشته باشد. از این رو، در این پژوهش تأثیر موقعیت زنان نسبت به مردان از ابعاد آموزش و بازار کار به عنوان عوامل مؤثر بر خودکشی مورد ارزیابی قرار گرفته است. اگرچه وضعیت زنان نسبت به مردان در بخش آموزش را می‌توان با چهار متغیر نرخ باسوادی، نرخ‌های ثبت نام در آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی سنجید اما به دلیل محدودیت داده‌ها، در این مطالعه تنها نسبت سهم دانشجویان زن به مرد در جمعیت گروه سنی ۲۰-۳۴ سال مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، در این پژوهش از نسبت نرخ مشارکت زنان به مردان ۱۵ ساله و بیشتر در بازار کار به عنوان متغیر سنجش موقعیت نسبی زنان در بعد بازار کار استفاده شده است.

پ) سهم دانشجویان زن: با فرض این که پیشرفت تحصیلی نشان دهنده درجه اجتماعی شدن افراد باشد، با تعمیم نظریه دورکیم (۱۹۵۱) درباره ادغام اجتماعی و خودکشی، تحصیلات می‌تواند تمایل فرد را برای خودکشی کاهش دهد (Li, 1972: 245). از این رو و به دلیل نقش زنان تحصیل کرده در جامعه، تأثیر متغیر سهم دانشجویان زن در جمعیت زنان گروه سنی ۲۰-۳۴ سال نیز بر خودکشی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

ت) نرخ بیکاری: ارتباط بین بیکاری و خودکشی اولین بار توسط دورکیم (۱۸۹۷) مورد بررسی قرار گرفت. به نظر او، بیکاری با تضعیف یکپارچگی اجتماعی افراد، احتمال خودکشی را افزایش می‌دهد. پس از آن، نظریه‌های مدرنی که ارتباط بین خودکشی و بیکاری را شرح می‌دهند شامل مدل آسیب‌پذیری^۱، مدل علی غیرمستقیم^۲ و مدل پیوند غیرعلی^۳ (Jones et al., 1991; Beautrais et al., 1998) ارائه شده‌اند. مدل آسیب‌پذیری نشان می‌دهد که بیکاری ممکن است منجر به دسترسی محدود به منابع حیاتی شود و در نتیجه، تأثیر رویدادهای استرس‌زا و سپس خطر

1. Vulnerability Model
2. Indirect Causative Model
3. Noncausal Link Model

خودکشی را افزایش دهد. در حالی که مدل علی غیرمستقیم نشان می‌دهد که بیکاری ممکن است مشکلاتی در روابط یا مسائل مالی ایجاد کند که می‌تواند منجر به حوادثی شود که خودکشی را تسریع می‌کنند. در نهایت، مدل پیوند غیرعلی فرض می‌کند که عامل سومی ممکن است خطر خودکشی و بیکاری را افزایش دهد و در نتیجه، ارتباط غیرعلی بین خودکشی و بیکاری ایجاد شود (Luo et al., 2011: 1139). افزایش نرخ بیکاری، با کاهش درآمد خانواده، تعادل بین نیازها و امکانات را بر هم می‌زند و در نتیجه، باعث سرگردانی، افسردگی و افزایش خودکشی می‌شود (Stack, 1981: 79). از این رو، در این پژوهش تأثیر نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیشتر به‌عنوان عاملی مؤثر بر خودکشی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

ث) نرخ طلاق: دورکیم (۱۹۶۶) معتقد است که طلاق، کاهش قابل توجه در یکپارچگی اجتماعی را نشان می‌دهد. فرد مطلقه که از پیوندهای خانوادگی جدا می‌شود، یکی از نیروهای کلیدی تنظیم‌کننده رفتار و ایجاد نظم و ترتیب در زندگی را از دست می‌دهد که می‌تواند به سمت منفعت شخصی مخرب یا خودخواهی گرایش یابد و در نهایت، منجر به خودکشی شود (Stack, 1981: 78). شرایط خودکشی مانند فشارهای روحی، جسمی و اقتصادی در بین افراد مطلقه بیشتر از متأهلین مشاهده می‌شود (Stack, 2016: 1). بر این اساس، طلاق می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر بر خودکشی مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، در این پژوهش میزان طلاق به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت به‌عنوان متغیر تأثیرگذار بر میزان خودکشی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

این پژوهش از حیث هدف، کاربردی بوده و روش انجام آن تحلیلی-توصیفی و در بخشی از نوع همبستگی است. همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر خودکشی با تأکید بر موقعیت زنان نسبت به مردان در ابعاد آموزش و بازار کار در استان‌های ایران طراحی شده است. این هدف را می‌توان در قالب فرضیه زیر مورد سنجش قرار داد: موقعیت زنان نسبت به مردان در زمینه‌های مختلف بر خودکشی در استان‌های ایران تأثیر دارد.

بدین منظور برای بررسی عوامل مؤثر بر خودکشی و با اقتباس متغیرها از مطالعات پیشین این حوزه، لی (۱۹۷۲) (تحصیلات زنان)، مور و هیریگز (۲۰۲۱) (موقعیت زنان نسبت به مردان از جنبه‌های آموزش و مشارکت اقتصادی)، استک (۱۹۸۱) و چن و همکاران (۲۰۲۴) (نرخ بیکاری و نرخ طلاق) از رابطه ۱ استفاده می‌شود:

$$Sui_{it} = \alpha + \beta_1 FEdu_{it} + \beta_2 REdu_{it} + \beta_3 RECoP_{it} + \beta_4 TUnem_{it} + \beta_5 RDiv_{it} + u_{it} \quad (۱) \text{ رابطه}$$

در رابطه ۱، α و U_{it} به ترتیب نشان دهنده عرض از مبدأ و جزء اخلاص است. همچنین، معرفی متغیرهای این مدل در استان i و در زمان t در جدول ۲ ارائه شده و اطلاعات مورد نیاز به تفکیک استان‌های ایران در سال‌های ۱۳۸۵-۱۴۰۱ از منابع منتشر شده توسط مرکز آمار ایران استخراج شده است.

جدول ۲. معرفی متغیرهای مدل

نوع متغیر	نماد متغیر	تعریف متغیر	منبع
وابسته	Sui	تعداد خودکشی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت	مرکز آمار ایران، فصل امور قضایی سالنامه آماری کشور و گزارش‌های سرشماری و برآوردهای جمعیت و محاسبات محقق
مستقل	FEdu	سهم دانشجویان زن در جمعیت زنان گروه سنی ۲۰-۳۴ سال	مرکز آمار ایران، فصل آموزش سالنامه آماری کشور و گزارش‌های سرشماری و برآوردهای جمعیت و محاسبات محقق
	REdu	نسبت سهم دانشجویان زن در جمعیت زنان گروه سنی ۲۰-۳۴ سال به سهم دانشجویان مرد در جمعیت مردان گروه سنی ۲۰-۳۴ سال	
	REcoP	نسبت نرخ مشارکت اقتصادی زنان به مردان در جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر	مرکز آمار ایران، گزارش‌های نتایج آمارگیری نیروی کار و محاسبات محقق
	TUnem	نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر	
	RDiv	میزان طلاق به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	مرکز آمار ایران، فصل جمعیت سالنامه آماری کشور و گزارش‌های سرشماری و برآوردهای جمعیت و محاسبات محقق

۴. یافته‌های پژوهشی

با وجود ویژگی‌های متفاوت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر استان ارتباط بین موقعیت زنان نسبت به مردان در زمینه‌های مختلف و میزان خودکشی نیز می‌تواند در استان‌های مختلف، متفاوت باشد. در شکل‌های ۱ تا ۳ این تمایز برای متغیرهای موقعیت زنان نسبت به مردان در ابعاد آموزش و بازار کار و نیز میزان خودکشی در استان‌های ایران به‌طور متوسط برای دوره مورد بررسی به تصویر کشده شده است.

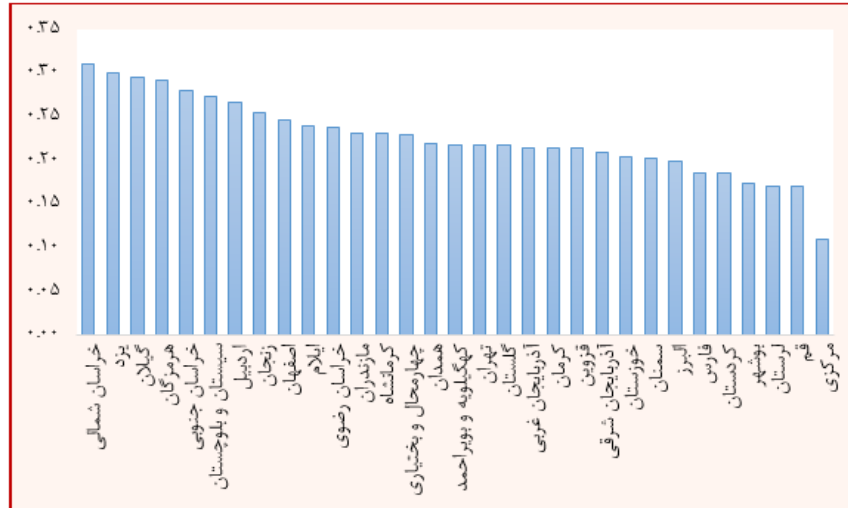
همان‌گونه که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، علاوه بر این که بین استان‌های کشور تمایز اندکی در متغیر نسبت زنان به مردان از بعد آموزشی وجود دارد در حدود یک سوم استان‌ها به‌طور متوسط در دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۱ نسبت دانشجویان زن به مرد بزرگتر از یک شده و وضعیت به نفع زنان است. با وجود این، در شکل ۲ نسبت مشارکت اقتصادی زنان به مردان در تمام استان‌ها کمتر از ۰/۳۵ است

و استان مرکزی کمترین میانگین نسبت مشارکت اقتصادی زنان به مردان را دارد در حالی که استان خراسان شمالی در دوره مورد بررسی بیشترین نسبت را به خود اختصاص داده است. علاوه بر آن، همان‌گونه که در شکل ۲ مشاهده می‌شود پراکندگی بیشتری در بین استان‌ها از منظر موقعیت زنان نسبت به مردان در این بعد نسبت به بعد آموزش مشاهده می‌شود. این در حالی است که با توجه به شکل ۳ بیشترین متوسط میزان خودکشی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت به ترتیب متعلق به استان‌های کرمانشاه، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد است. در حالی که استان سیستان و بلوچستان کمترین میزان خودکشی را به خود اختصاص داده است. ویژگی‌های فرهنگی و اعتقادی در کنار شرایط اقتصادی و اجتماعی هر استان می‌تواند در وقوع این پدیده نقش داشته باشد.



شکل ۱. مقایسه متوسط نسبت دانشجویان زن به مرد در استان‌های ایران: ۱۳۹۵-۱۴۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۲. مقایسه متوسط نسبت نرخ مشارکت اقتصادی زنان به مردان در استان‌های ایران: ۱۳۹۵-۱۴۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۳. مقایسه متوسط میزان خودکشی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در استان‌های ایران: ۱۳۹۵-۱۴۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از محاسبه متغیرهای مورد بررسی طی دوره ۱۳۹۵-۱۴۰۱ به تفکیک استان‌های ایران، برای ارزیابی تأثیر متغیرهای مذکور بر میزان خودکشی در استان‌های کشور از رابطه ۱ استفاده شده است.

در این راستا، نخست برای تشخیص برآزش مدل به روش داده‌های تلفیقی یا داده‌های تابلویی آزمون چاو (اف-لیمر) به کار برده می‌شود. نتایج این آزمون حاکی از آن است که برآورد مدل باید به روش داده‌های تابلویی انجام گیرد. علاوه بر آن، نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد که لازم است مدل با روش اثرات تصادفی برآورد شود. همچنین، در این مطالعه برای تعیین نوع مدل اثرات تصادفی یا مدل تلفیقی از آزمون ضریب لاگرانژ بروش-پاگان استفاده شده است که بر اساس نتایج این آزمون برآورد مدل باید با روش اثرات تصادفی انجام گیرد. نتایج آزمون نسبت درست‌نمایی وجود واریانس ناهمسانی در بین اجزاء اخلاص را تأیید می‌کند و نتایج آزمون وولدریج حاکی از وجود خودهمبستگی در بین جملات اخلاص است. در حالی که نتایج آزمون همبستگی مقطعی پسران حاکی از نبود همبستگی مقطعی است. نتایج آزمون‌های مذکور در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون‌های تشخیص مدل

آزمون	آماره	احتمال
لیمر	۴۸/۰۱	۰/۰۰
هاسمن	۸/۶۲	۰/۱۳
بروش پاگان	۴۱۹/۲۵	۰/۰۰
نسبت درست‌نمایی	۲۸۴/۵۰	۰/۰۰
وولدریج	۸/۲۷	۰/۰۱
همبستگی مقطعی پسران	۰/۳۲	۰/۷۵

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج آزمون‌های ارائه شده در جدول ۳ در نهایت، نتایج تخمین نهایی مدل برای ارزیابی تأثیر متغیرهای مورد بررسی بر خودکشی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج تخمین نهایی مدل

متغیر	ضریب	احتمال
سهم دانشجویان زن در جمعیت زنان گروه سنی ۲۰-۳۴ سال	-۷/۵۳	۰/۰۰
نسبت سهم دانشجویان زن به مرد در جمعیت گروه سنی ۲۰-۳۴ سال	۲/۵۱	۰/۰۰
نسبت نرخ مشارکت اقتصادی زنان به مردان	-۴/۶۰	۰/۰۱
نرخ بیکاری	۰/۰۷	۰/۰۴
میزان طلاق	۱/۳۴	۰/۰۰
عرض از مبدأ	۱/۵۵	۰/۱۷

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های ارائه‌شده در جدول ۴، افزایش ورود زنان به دانشگاه و بهبود جایگاه آن‌ها از نگاه دسترسی به امکانات آموزش عالی، بر میزان خودکشی در استان‌های ایران تأثیر منفی و معنی‌دار دارد. به عبارتی، به واسطه مزایای پیشرفت تحصیلی زنان در جامعه از جمله نقش زنان تحصیل‌کرده در خانواده و تربیت نسل آتی میزان خودکشی در استان‌ها به صورت منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این در حالی است که بهبود جایگاه نسبی زنان در مقایسه با مردان و دستیابی بیشتر آن‌ها به امکانات آموزش عالی بر خودکشی در استان‌ها تأثیر مثبت و معنی‌دار دارد. در واقع، می‌توان بهبود جایگاه مطلق زنان را ناشی از ارتقاء سطح آموزش در کل جامعه دانست که در کاهش خودکشی نقش مؤثری دارد اما لزوماً بهبود وضعیت نسبت به مردان را نشان نمی‌دهد. در حالی که بهبود موقعیت زنان نسبت به مردان و حتی همان‌گونه که از شکل ۱ مشخص است وجود برتری به نفع زنان در برخی از استان‌ها از نگاه ورود به آموزش عالی می‌تواند نیازها و توقعاتی را برای زنان ایجاد کند که جامعه توان پاسخگویی به آن‌ها را ندارد و از سوی دیگر ممکن است بر فشار روانی در مردان نیز نقش داشته باشد که تجلی آن‌ها را می‌توان در افزایش خودکشی در جامعه مشاهده کرد. علاوه بر آن، افزایش نسبت مشارکت اقتصادی زنان به مردان دارای تأثیر منفی و معنی‌دار بر میزان خودکشی در استان‌های کشور است که این یافته از نظریه انباشت نقش حمایت می‌کند و حاکی از آن است که افزایش مشارکت زنان در جامعه و در نتیجه، کمک به درآمد خانوار، دسترسی بیشتر به منابع و کاهش استرس مالی می‌تواند در کاهش خودکشی مؤثر باشد. همچنین، نتایج جدول ۴ بیانگر آن است که افزایش بیکاری و در نتیجه، تضعیف یکپارچگی اجتماعی افراد، افزایش استرس و ناامیدی و افزایش مشکلات اقتصادی بر وقوع خودکشی در استان‌ها تأثیر مثبت دارد. افزون بر آن، یافته‌ها حاکی از آن است که افزایش میزان طلاق به دلیل ایجاد فشارهای روحی، جسمی و اقتصادی و نیز از دست دادن حمایت‌های خانواده، بر میزان خودکشی در استان‌ها به صورت مثبت و معنی‌دار اثر می‌گذارد. به عبارتی، احتمال وقوع خودکشی در استان‌های با میزان طلاق بالاتر، بیشتر است.

۵. بحث

یافته‌های این پژوهش نشان داده است که افزایش سهم دانشجویان زن بر وقوع خودکشی در استان‌ها تأثیر منفی و معنی‌دار دارد که این یافته همسو با پژوهش لی (۱۹۷۲) است و با اعتقاد به این که پیشرفت تحصیلی نشان‌دهنده درجه اجتماعی شدن افراد باشد، با تعمیم دیدگاه دورکیم (۱۹۵۱) درباره ادغام اجتماعی و خودکشی، تحصیلات می‌تواند انگیزه افراد برای خودکشی را کاهش دهد. علاوه بر آن، بهبود موقعیت زنان نسبت به مردان در دستیابی به امکانات آموزش عالی می‌تواند نیازها

و توقعاتی را برای زنان ایجاد کند که اگر جامعه توان پاسخگویی به آن‌ها را نداشته باشد باعث سرخوردگی، ناامیدی و تبعات منفی دیگری حتی در حد خودکشی شود. از سوی دیگر، این امر حتی ممکن است در ایجاد فشارهای روانی بر مردان نیز نقش داشته باشد. این یافته از نظریه ادغام وضعیت خودکشی حمایت می‌کند و متناسب با نتایج مطالعه مور و هیریگز (۲۰۲۱) است. اما با وجود این، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش نسبت مشارکت اقتصادی زنان به مردان به دلیل افزایش امنیت اقتصادی خانواده ناشی از دسترسی به منابع مالی بیشتر، تأثیر منفی بر خودکشی دارد. این یافته همسو با نتایج مطالعه چن و همکاران (۲۰۲۴) و مطابق با دیدگاه سبیر (۱۹۷۴) و مارکس (۱۹۷۷) است و از نظریه انباشت نقش حمایت می‌کند. همان‌گونه که در بخش پیشینه نظری اشاره شد بر اساس نظریه گسترش نقش یا انباشت نقش، هر نقش اضافی که به فرد داده می‌شود مزیت‌هایی برای او دارد. به‌عنوان مثال، ورود زنان به بازار کار منجر به افزایش درآمد و کاهش سطح استرس مالی در خانواده می‌شود که می‌تواند با تأثیر مثبت بر سلامت روانی مردان و زنان بر احتمال خودکشی آن‌ها نیز مؤثر باشد. همچنین، انتظار بر آن است که با اشتغال زنان و تقویت پیوند آن‌ها با همکاران، سایر افراد جامعه و گسترش روابط و حمایت‌های اجتماعی خودکشی کاهش یابد. چراکه با ورود زنان به بازار کار، آن‌ها هویتی در ارتباط با نقش جدید به‌عنوان فرد شاغل نیز به‌دست می‌آورند که علاوه بر هویت‌های مرتبط با نقش‌های دیگر مانند مادر، همسر یا دوست، مجموعه‌ای از پاداش‌ها و منابع را در اختیار زنان قرار می‌دهد که می‌تواند با تأثیر مثبت بر سلامت روان آن‌ها، احتمال خودکشی زنان را کاهش دهد. افزون‌بر آن، یافته‌ها حاکی از آن است که استخدام و رهایی از بیکاری بر احتمال خودکشی در استان‌های ایران تأثیر منفی دارد. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های نصراللهی و همکاران (۲۰۱۳)، مکیان و لطفی (۲۰۱۵) و قادری و نظری (۲۰۱۹) و مطابق با دیدگاه دورکیم (۱۸۹۷) است که به اعتقاد او، بیکاری با تضعیف یکپارچگی اجتماعی افراد، احتمال خودکشی را افزایش می‌دهد. بر اساس نتایج این پژوهش، نرخ طلاق تأثیر مثبت و معنی‌دار بر نرخ خودکشی در استان‌های ایران دارد. این یافته همسو با نتایج پژوهش نصراللهی و همکاران (۲۰۱۳) و دیدگاه استک (۲۰۱۶) است مبنی بر این که فشارهای جسمی، روحی و اقتصادی در بین افراد مطلقه بیشتر از متأهلین مشاهده می‌شود که انگیزه خودکشی را در بین این افراد تقویت می‌کند.

۶. نتیجه‌گیری

اگرچه در ایران مطالعات متعددی در سطح ملی و منطقه‌ای به بررسی عوامل مؤثر بر خودکشی پرداخته‌اند اما با وجود این، کمتر مطالعه‌ای را می‌توان یافت که تأثیر موقعیت زنان نسبت به مردان

در ابعاد مختلف را بر میزان خودکشی در سطح استان‌ها مورد توجه قرار داده باشد. در حالی که بر اساس ادبیات موجود، این پدیده می‌تواند به‌عنوان عاملی مؤثر بر خودکشی قلمداد شود. بر این اساس، در پژوهش حاضر تأثیر موقعیت زنان نسبت به مردان در ابعاد آموزش و بازار کار بر میزان خودکشی در استان‌های ایران مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که افزایش سهم زنان دانشجوی بر خودکشی در استان‌ها تأثیر منفی و معنی‌دار دارد. اما، افزایش نسبت دانشجویان زن به مرد به دلیل این که جامعه به‌طور متناسب توان پاسخگویی به نیازهای ناشی از آن مانند تأمین توقعات دختران تحصیل کرده را نداشته و همچنین، تحمیل فشارهای روانی و احساس سرخوردگی در بین مردان، بر میزان خودکشی در جامعه تأثیر مثبت داشته است. علاوه بر آن، نتایج نشان داده است که افزایش نسبت مشارکت زنان به مردان در بازار کار به دلیل افزایش رفاه خانواده ناشی از دسترسی به منابع بیشتر و مزایای مرتبط با نقش جدید برای زنان، بر احتمال خودکشی تأثیر منفی و معنی‌دار دارد. همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کاهش در نرخ‌های خودکشی، با افزایش فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری، مورد انتظار است. افزون بر آن، نتایج حاکی از آن است که متغیر طلاق تأثیر مثبتی بر میزان خودکشی در استان‌های ایران داشته است.

۷. پیشنهادها

اگرچه بر اساس یافته‌های این پژوهش، بهبود موقعیت زنان نسبت به مردان در بخش آموزش تأثیر مثبت و معنی‌داری بر خودکشی در استان‌های کشور نشان داده است، اما این یافته از نظر سیاست‌گذاری، به ایجاد مانع برای افزایش فرصت‌های آموزشی برای زنان توصیه ندارد کما این که افزایش مطلق سطح آموزش زنان بر خودکشی تأثیر منفی و معنی‌داری داشته است. بلکه تأثیر مثبت موقعیت نسبی زنان در مقایسه با مردان در بخش آموزش بر خودکشی را می‌توان به زمینه‌سازی برای ارتقاء متناسب سطح آموزش هر دو گروه مردان و زنان و همچنین، برآورده کردن توقعات زنان تحصیل کرده تفسیر کرد. از نگاه سیاست‌گذاری، این یافته‌ها حاکی از امکان تعدیل آسیب اجتماعی خودکشی با توجه به جایگاه زنان در جامعه است و نتایج نشان می‌دهد که اتخاذ هر سیاستی برای دستیابی به برابری جنسیتی باید با توجه به تأثیر آن بر هر دو گروه مردان و زنان صورت گیرد چراکه بهبود جایگاه یک گروه بدون توجه به موقعیت گروه دیگر می‌تواند آسیب‌های اجتماعی را بر جامعه تحمیل کند. علاوه بر آن، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری برای کاهش بیکاری با ایجاد حس مفیدبودن و همچنین استقلال فردی، می‌تواند بر نرخ‌های خودکشی در جامعه مؤثر باشد. همچنین، با توجه به تأثیر مثبت از هم‌گسیختگی خانواده بر میزان خودکشی در استان‌های

ایران، جامعه باید با هدف ازدواج‌های پایدار در واقع ازدواج‌های منطقی را رواج دهد. چراکه ازدواج‌های غیرمنطقی و ناپایدار منجر به آسیب‌های اجتماعی از جمله خودکشی می‌شود. به‌طور کلی، هر سیاستی را می‌توان صرفاً از جنبه کمی مد نظر قرار داد یا به جنبه کیفی آن سیاست هم توجه کافی معطوف کرد. به‌عنوان مثال، نگرانی برای رشد جمعیت می‌تواند منجر به سیاست‌گذاری‌هایی در راستای تسهیل ازدواج شود. در حالی که عدم توجه به ابعاد کیفی ازدواج می‌تواند خسارت‌های بیشتری به جامعه تحمیل نماید، ازدواج‌های ناپایدار که منجر به گسیختگی خانواده و اجتماع می‌شود، علاوه بر ایجاد افسردگی و گسترش خشونت‌هایی مانند خودکشی، نسل‌نامید و ناسالمی را پرورش می‌دهد. پس باید کیفیت ازدواج نسبت به کمیت آن بیشتر مورد توجه قرار گیرد. چراکه ازدواج‌های ناموفق هزینه‌هایی مانند افزایش خودکشی بر جامعه تحمیل خواهد کرد.

اگرچه در این پژوهش به‌دلیل محدودیت داده‌های در دسترس، تأثیر موقعیت زنان نسبت به مردان بر میزان کلی خودکشی در استان‌های ایران مورد بررسی قرار گرفته اما، بررسی تأثیر این متغیرها بر خودکشی به‌تفکیک مردان و زنان در مدل‌های مجزا حائز اهمیت است که می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی در این حوزه قرار گیرد. چراکه انتظار بر آن است که تغییر موقعیت نسبی زنان در مقایسه با مردان تأثیر متفاوتی بر زنان و مردان و در نتیجه، رفتار خودکشی در بین آن‌ها داشته باشد.

۸. تعارض منافع

این مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری اقتصاد دانشگاه یزد، با عنوان «بررسی پیامدهای تبعیض جنسیتی با تأکید بر فقر در استان‌های ایران» و با راهنمایی خانم دکتر زهرا نصراللهی است و در آن هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Arefi, M. (2002). The Study Survey of Suicides Rates During 1998 up to 1999 in Western Azarbayejan Province. *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 32(1), 141-162. https://jpsyedu.ut.ac.ir/article_10624.html (In Persian)

- Ayasseh, A., Ahmadi, H., Khosravi, R., & Ghaffari nasab, E. (2021). Exploring the Suicide Experience in the Meaning System of Women who Attempted Suicide in Kermanshah City Using a Qualitative Approach. *Journal of Policing & Social Studies of Women & Family (PSSW)*, 9(2), 695-733. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23224274.1400.9.2.12.6> (In Persian)
- Backhans, M. C., Lundberg, M., & Månsdotter, A. (2007). Does Increased Gender Equality Lead to a Convergence of Health Outcomes for Men and Women? A Study of Swedish Municipalities. *Social Science & Medicine*, 64(9), 1892-1903. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2007.01.016>
- Beautrais, A. L., Joyce, P. R., & Mulder, R. T. (1998). Unemployment and Serious Suicide Attempts. *Psychological Medicine*, 28(1), 209-218. <https://doi.org/10.1017/S0033291797005990>
- Blom, N., & Hewitt, B. (2020). Becoming a Female-Breadwinner Household in Australia: Changes in Relationship Satisfaction. *Journal of Marriage and Family*, 82(4), 1340-1357. <https://doi.org/10.1111/jomf.12653>
- Chen, Y. Y., Fong, T. C., Yip, P. S., & Canetto, S. S. (2024). Female Labor-Force Participation as Suicide Prevention: a Population Study in Taiwan. *Archives of Suicide Research*, 1-19. <https://doi.org/10.1080/13811118.2024.2337182>
- Cutright, P., & Fernquist, R. M. (2008). Three Explanations of Marital Status Differences in Suicide Rates: Social Integration, Marital Status Integration, and the Culture of Suicide. *OMEGA-Journal of Death and Dying*, 56(2), 175-190. <https://doi.org/10.2190/OM.56.2.c>
- Girard, C. (1993). Age, Gender, and Suicide: A Cross-National Analysis. *American Sociological Review*, 58(4), 553-574. <https://doi.org/10.2307/2096076>
- Hajizadeh Asl, A., Jafari, J., & Khodamoradi, H. (2021). Investigating the Impact of Economy on Suicide Rate in Iran. *Quarterly Journal of Police Cultural Studies*, 8(2), 1-14. <https://doi.org/10.22034/hpsj.2021.96704> (In Persian)
- Jones, S. C., Forster, D. P., & Hassanyeh, F. (1991). The Role of Unemployment in Parasuicide. *Psychological Medicine*, 21(1), 169-176. <https://doi.org/10.1017/S0033291700014756>

- Kim, J. W., Jung, H. Y., Won, D. Y., Noh, J. H., Shin, Y. S., & Kang, T. I. (2019). Suicide Trends According to Age, Gender, and Marital Status in South Korea. *OMEGA-Journal of Death and Dying*, 79(1), 90-105. <https://doi.org/10.1177/0030222817715756>
- Li, W. L. (1972). Suicide and Educational Attainment in a Transitional Society. *Sociological Quarterly*, 13(2), 253-258. <https://doi.org/10.1111/j.1533-8525.1972.tb00809.x>
- Luo, F., Florence, C. S., Quispe-Agnoli, M., Ouyang, L., & Crosby, A. E. (2011). Impact of Business Cycles on US Suicide Rates, 1928–2007. *American Journal of Public Health*, 101(6), 1139-1146. <https://doi.org/10.2105/ajph.2010.300010>
- Makkian S. N., & Lotfi, E. (2015). Analyzing the Economic Causes of Suicide. *The Journal of Economic Policy*, 7(13), 163-186. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26453967.1394.7.13.7.8> (In Persian)
- Mayer, P. (2000). Development, Gender Equality, and Suicide Rates. *Psychological Reports*, 87(2), 367-372. <https://doi.org/10.2466/pr0.2000.87.2.367>
- McDaid, D. (2016). Making an Economic Case for Investing in Suicide Prevention: Quo Vadis?. *The International Handbook of Suicide Prevention*, 775-790. <https://doi.org/10.1002/9781118903223.ch44>
- Milner, A., Scovelle, A. J., Hewitt, B., Maheen, H., Ruppner, L., & King, T. L. (2020). Shifts in Gender Equality and Suicide: A Panel Study of Changes over Time in 87 Countries. *Journal of Affective Disorders*, 276, 495-500. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2020.07.105>
- Moidfar, S., & Hasanpanah, H. (2010). Sociological Study of Suicide in Kurdistan. *Journal of Social Problems of Iran*, 1(3), 123-143. https://ijsp.ut.ac.ir/article_21902.html (In Persian)
- Moore, M. D., & Heirigs, M. H. (2021). Suicide & Gender Inequality: a Cross-National Examination. *Sociological Spectrum*, 41(3), 273-286. <https://doi.org/10.1080/02732173.2021.1900761>
- Nasrollahi, Z., Lotfi, E., & Honardoust, A. (2013). The Effect of Economic–Social Variables on Burgess Female Suicide of Iran (2006-2009). *Woman in Development and Politics*, 11(3), 377-392. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2013.36534> (In Persian)

- Okafor, S. (2020). Suicide among Undergraduate Students in Southeast Nigeria: An Empirical Evaluation of Durkheim's Classifications of Suicide. *Open Journal for Anthropological Studies*, 4(2), 35-50.
<https://doi.org/10.32591/coas.ojas.0402.01035o>
- Platt, S, McLean, J, McCollam, A, Blamey, A, Mackenzie, M, McDaid, D, Maxwell, M, Halliday, E & Woodhouse, A. (2006). Evaluation of the First Phase of Choose Life: The National Strategy and Action Plan to Prevent Suicide in Scotland. *Scottish Executive Social Research*, the University of Edinburgh. <https://www.research.ed.ac.uk/en/publications/evaluation-of-the-first-phase-of-emchoose-lifeem-the-national-str>
- Qaderi, S., & Nazari, H. (2019). Sociological Analysis of Suicide in Iran Based on Analysis of Available Statistics During 2010-2015. *Journal of Social Problems of Iran*, 10(1), 195-215.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.24766933.1398.10.1.1.3> (In Persian)
- Reeves, A., & Stuckler, D. (2016). Suicidality, Economic Shocks, and Egalitarian Gender Norms. *European Sociological Review*, 32(1), 39-53.
<https://doi.org/10.1093/esr/jcv084>
- Shah, A. (2008). Association of Suicide Rates for Elderly Age Bands with Gender Equality. *Psychological Reports*, 102(3), 887-892.
<https://doi.org/10.2466/pr0.102.3.887-892>
- Stack, S. (1981). Divorce and Suicide: a Time Series Analysis, 1933-1970. *Journal of Family Issues*, 2(1), 77-90.
<https://doi.org/10.1177/0192513x8100200106>
- Stack, S. (2016). Suicide and Divorce. *Encyclopedia of Family Studies*, 1-5.
<https://doi.org/10.1002/9781119085621.wbefs084>
- Statistical Centre of Iran (2017-2023). *The Labor Force Statistics Results in the Years 2016-2022*. Tehran: Statistical Centre of Iran.
<https://amar.org.ir/statistical-information> (In Persian)
- Statistical Centre of Iran (2018). *The Results of the General Population and Housing Census in the Year 2016*. Tehran: Statistical Centre of Iran.
<https://amar.org.ir/statistical-information> (In Persian)
- Statistical Centre of Iran (2018-2024). *The Statistical Yearbook of the Country in the Years 2016-2022*. Tehran: Statistical Centre of Iran.
<https://amar.org.ir/statistical-information> (In Persian)

- Statistical Centre of Iran (2021). *The Population Forecast According to Province, Urban and Rural Areas and Gender from 2017 to 2036*. Tehran: Statistical Centre of Iran. <https://amar.org.ir/statistical-information> (In Persian)
- Syrda, J. (2020). Spousal Relative Income and Male Psychological Distress. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 46(6), 976-992. <https://doi.org/10.1177/0146167219883611>
- World Health Organization. (2021). *Suicide Worldwide in 2019: Global Health Estimates*. Geneva: World Health Organization. <https://iris.who.int/handle/10665/341728>
- Zhang, J. (2019). The Strain Theory of Suicide. *Journal of Pacific Rim Psychology*, 13(e27), 1-15. <https://doi.org/10.1017/prp.2019.19>